

بخش ویژه

مشارکت شهری

الگوهای مشارکت اجتماعی در ایران

(۱) پیشینه

مشارکت اجتماعی یکی از رموز موفقیت جمهوری اسلامی ایران بوده است. مشارکت مردم عامل مهم پیروزی انقلاب اسلامی بود که در طول دو دهه پس از انقلاب، به ویژه در فرآیند انتخاب دولت فعلی، و نیز در طول جنگ ۸ ساله با عراق و دوره بازسازی پس از آن تداوم یافته است. مشارکت گسترده ایرانیان در انتخابات، به ویژه انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۳۷۶، انتخابات دوره ششم مجلس و مشارکت وسیع توده مردم در توسعه مناطق روستایی، نمونه‌های موفق دیگری از مشارکت اجتماعی در ایران است.

در حقیقت، تاریخ ایران سرشار از مشارکت اجتماعی است و یکی از الگوهای آن تشکل‌های مردمی (CBO) است که از بطن همکاری مردم برای رفع نیازهای اقتصادی و ارائه خدمات اساسی ظاهر شده است. این تشکل‌ها در مقابله با حوادث ناگوار و پر کردن شکاف‌هایی که دولت‌ها از عهده آن بر نمی‌آیند، شبکه امنیت اجتماعی ۱۱۱ را برای طبقات محروم ایجاد کرده‌اند. این تشکل‌ها ریشه در فرهنگ و سابقه بشر دوستانه ایرانی‌ها و روحیه آزادیخواهی و ارزشهای دینی آنان دارد. این سازمان‌ها در شرایط مختلف زمانی تاب آورده‌اند و با وجود سیاست‌ها و محدودیت‌های مختلف هنوز به حیات خود ادامه می‌دهند.

سو سن طهماسبی
مترجم: مرجان دکائی

فصلنامه مدیریت شهری / شماره ۵ / بهار ۱۳۸۰

در پی مشارکت ایران در همایش‌های بین‌المللی، به ویژه در همایش‌های برگزار شده از سوی سازمان ملل، سازمان‌های غیردولتی (NGO) نوینی تشکیل شده است که به واسطه مهارت‌های ارتباطی خود توانسته‌اند پیوندهایی را با مقامات دولتی و مؤسسات و جوامع بین‌المللی ایجاد کنند. این تشکل‌ها در عین حال با تکیه بر یافته‌های تحقیقاتی و برترین شیوه‌های بین‌المللی اداره سازمان و ارائه خدمات اجتماعی و بر مبنای فعالیت‌های ترویجی و (۲) برای افزایش آگاهی عمومی کار می‌کنند و در این راه بیش از CBO ها تمایل به استفاده از رویکردهای مدرن دارند. البته یکی از مشکلات این تشکل‌ها، این است که نتوانسته‌اند به خوبی مسائل خود را برای مردم ملموس کرده و روابط مستحکمی با آنها برقرار کنند.

متأسفانه جامعه مدنی ایران از دانش و اطلاعات بین‌المللی در زمینه موضوعات توسعه بهره کافی نبرده است. در واقع در ۲۰ ساله اخیر - حتی در بهترین حالت - همکاری‌های بین‌المللی با ایران بسیار محدود بوده است و عدم حضور جامعه توسعه‌ای بین‌المللی کماکان بسیار در خور توجه است.

NGO های نوین به عنوان پاسخی به روندهای جهانی، علاقه ملی رو به افزایش و مشارکت فعال روزافزون ایران در همایش‌های سازمان ملل تشکیل شده‌اند. برخی از NGO هایی که امروز فعال هستند پیش از انقلاب تشکیل شده‌اند و هنوز هم در زمینه‌های مختلف فعالیت می‌کنند. اما تعداد این NGO ها اندک است و با اینکه مایل به استفاده از روش‌های جدید و ریشه‌یابی مسائل‌اند، اما به دلیل نبود تفاهم میان آنها و مردم، مورد انتقاد قرار گرفته‌اند و عمدتاً این گونه قلمداد می‌شود که هنوز در مراحل ابتدایی تلاش برای ریشه‌یابی مسائل توسعه و مشکلات اجتماعی قرار دارند. با وجود این، نمونه‌های برجسته‌ای از NGO های نوین در ایران وجود دارد که از طریق مشارکت اجتماعی گسترده در رفع نیازهای اجتماعی، انجام فعالیت‌های ترویجی، افزایش آگاهی عمومی و هدایت فعالیت‌های آموزشی و حل و فصل موضوعات اجتماعی موفق بوده‌اند.

تشکل‌های مردمی یا CBO های ایران را می‌توان با توجه به ریشه‌های مستحکمی که در جامعه و سابقه طولانی فعالیت دارند، به عنوان NGO های واقعی شناسایی کرد. در ۲۰ سال گذشته زمینه مساعدی برای رشد و بالندگی این تشکل‌ها فراهم شده است، و اینها در انجام اقدامات خیریه و اعانه نقش فعالی داشته‌اند. این تشکل‌ها در واقع شبکه حمایتی در خور توجه و پر قدرتی را برای افراد آسیب‌پذیر فراهم می‌کنند. پایه‌های ایدئولوژیکی وجود چنین سازمان‌هایی در سنت ایرانی و اسلامی بخشش و امور خیریه ریشه دارد. تشکل‌های مردمی (CBO) این چشم‌انداز مثبت را پیش روی خود دارند که بالقوه در امر توسعه مشارکت می‌ورزند. متأسفانه حکومت، پژوهشگران سازمان‌های بین‌المللی و NGO های نوین و جدید، توانایی‌های بالقوه و بسیار زیاد این تشکل‌ها را نادیده گرفته‌اند. بر اثر این بی‌توجهی، تلاش برای توسعه کشور از توانایی بالقوه و وسیع (به ویژه تجربه‌های گرانمای آنها در ارتباط با مردم) اصیل‌ترین و ماندنی‌ترین تشکل‌های ایرانی بی‌بهره مانده است. از طرف دیگر، CBO ها از اقدام برای رسیدن به شیوه‌هایی که منجر به منتفع شدن از دانش جهانی جدید می‌شود، و نیز از امکان خلق یک بخش NGO ی پایدار تا حد زیادی کنار گذاشته شده‌اند.

با توجه به اینکه ارتباط CBO ها با جامعه بین‌المللی محدود بوده است، توسعه خودجوش این سازمان‌ها و شبکه اجتماعی وسیعی که برای افراد آسیب‌پذیر فراهم می‌کنند، در خور توجه است. گرایش تشکل‌های مردمی (CBO) در ایران و سایر کشورهای اسلامی به کارهای خیریه و اعانه که ایجاد وابستگی می‌کند، مورد انتقاد قرار گرفته است. البته در ایران برخی از این تشکل‌ها حرکتی خودجوش را به سمت توجه به ریشه مسائل، با اتخاذ راهبردهای خلاق و شیوه‌های پیش‌گیرانه آغاز کرده‌اند. به عنوان مثال، این تشکل‌ها به طور روزافزون به چنین

گرایش‌هایی روی آورده‌اند:

- تمایل به در پیش گرفتن شیوه‌های مدیریت مدرن
- حرکت به سمت توجه به موضوعات مهم اجتماعی و ارائه تحلیل‌های دقیق‌تر و کارآمدتر
- میل شدید برای دانستن. این تشکل‌ها هر روز بیشتر از پیش با هم‌تاهای خود در غرب و سایر کشورهای اسلامی ارتباط برقرار می‌کنند تا در اطلاعات سهیم شوند و بتوانند معیارهایی را برای رفتارهای نوآورانه به وجود آورند.

- حضور بیشتر زنان در عرصه تصمیم‌گیری.
- حرکت به سمت سازماندهی ائتلاف‌ها؛ و
- تمایل فزاینده دولت بر توجه به اهمیت CBO ها به عنوان همیاران توسعه و به عنوان بخشی که می‌توان برای ارائه خدمات اجتماعی به آن اعتماد کرد.
- CBO ها و NGO ها راهبردهای خلاقانه‌ای را برای پرداختن به مسائل مهم اجتماعی اتخاذ کرده‌اند، که برخی از آنها عبارتند از:
- فراهم آوردن سرپناه برای زنان و دختران
- پرداختن به نیازهای زنان سرپرست خانوار
- فراهم آوردن خدمات پیشگیری (بهداشت و درمان)
- در اختیار قرار دادن وام‌های کوچک
- فراهم آوردن امکان تحصیل
- انجام فعالیت‌های ترویجی

- شکل‌دهی اتحادیه‌ها و شبکه‌های CBO و NGO
- ایجاد ساز و کارهای مبادله اطلاعات، نظیر خبرنامه‌های NGO
- افزایش همکاری میان NGO ها و CBO ها یا یکدیگر، با دولت و با سازمان‌های بین‌المللی مانند نهادهای وابسته به سازمان ملل در ایران
- با تمام اینها، اطلاعات در دسترس از فعالیت‌های NGO ها و CBO های ایرانی در ایران و جامعه بین‌المللی غنی نیست. به تازگی دو اقدام مهم برای جمع‌آوری اطلاعات در این زمینه انجام شده است، که عبارتند از:

۱) تحلیل وضعیت نهادهای مردمی داوطلب در جمهوری اسلامی ایران، که توسط باقرنمازی انجام گرفته است، این کتاب اولین مطالعه از نوع خود در ایران به شمار می‌آید و وضعیت NGO های ایرانی را در کشور تحلیل می‌کند. این مطالعه دارای سه بخش اصلی است که می‌توانند جداگانه مورد بررسی قرار گیرند. این بخش‌ها عبارتند از یک بخش خلاصه که شماری کلی یافته‌ها و توجیه‌های اصلی را ارائه می‌کند، نگرشی کلی از تشکل‌های سنتی در ایران به دست می‌دهد، و ابعاد ملی و بین‌المللی تحقیق را آشکار می‌کند. بخش دوم قسمت اصلی مطالعه را در بردارد و NGO ها را به ۵ دسته تقسیم می‌کند: حفاظت از محیط‌زیست و توسعه پایدار؛ جمعیت و بهداشت؛ زنان و توسعه، جوانان و کودکان و علم و فن آوری. بخش پایانی مطالعه مشتمل است بر نقش سازمان ملل در مقابل حرکت NGO ها در ایران.

۲) بانک اطلاعاتی NGO ها و CBO های ایرانی، که انجمن تنظیم خانواده جمهوری اسلامی ایران فهرست آن را در قالب یک کتاب تهیه و چاپ کرده است. طرح توانمندسازی تشکل‌های غیردولتی ایرانی در طی نشست‌های متعدد منطقه‌ای و استانی دو سال اخیر، به این نتیجه رسید که NGO های ایرانی قابلیت زیادی برای مشارکت در امر توسعه دارند. در واقع توصیه‌های گروه شناسایی و توانمندسازی تشکل‌های غیردولتی ایرانی در مورد مشارکت CBO ها و NGO های ایرانی در فرایند توسعه به شرح زیر است:

- CBO ها و NGO های ایرانی قابلیت زیادی به عنوان همیاران توسعه دارند و سیاست‌گذاران و متخصصان توسعه باید از این قابلیت به نحو احسن استفاده کنند.
- پیوند نزدیک این تشکل‌ها با مردم، ضامن آن است که سیاست‌های توسعه‌ای مردم محور باشد و نیازهای واقعی جامعه را پاسخ گوید.
- برنامه‌ریزان دولتی و سیاست‌گذاران در ایران و منطقه باید CBO ها و NGO ها را در فرایند توسعه سهیم کنند.

- تضمین اینکه نهادهای مدنی در فرایند توسعه مشارکت عملی داشته باشند و از بطن آنها NGO های قوی بیرون آیند، مستلزم این است که به قابلیت‌های گسترده تشکل‌های مردمی (CBO) احترام گذاشته شود. این قابلیت‌ها درک گردند و امکان گفت‌وگوی متقابل به وجود آید.
- CBO ها و NGO ها میل مفرطی به کسب آگاهی و ارتباط با یکدیگر و همپایان خود در سایر کشورهای

تشکل‌های مردمی (CBO) از بطن همکاری مردم برای رفع نیازهای اقتصادی و ارائه خدمات اساسی ظاهر شده‌اند. این تشکل‌ها در مقابله با حوادث ناگوار و پرکردن شکاف‌هایی که دولت‌ها از عهده آن بر نمی‌آیند، شبکه امنیت اجتماعی را برای طبقات محروم ایجاد کرده‌اند

تشکل‌های مردمی (CBO) این چشم‌انداز مثبت را پیش روی خود دارند که بالقوه در امر توسعه مشارکت می‌ورزند. متأسفانه حکومت، پژوهشگران سازمان‌های بین‌المللی و NGO های نوین و جدید، توانایی‌های بالقوه این تشکل‌ها را نادیده گرفته‌اند

جهان دارند CBO ها و NGO ها باید با تشخیص آنچه می توانند عرضه کنند و آنچه که نیاز دارند، در دادوستدی واقع شوند که آنها را وارد مسیر توسعه کند.

• اگر چه تشکل های مردمی (CBO) توان بالایی دارند اما باید شیوه های کار آنها اصلاح و بهینه شود و روش های جدید را بیاموزند تا بهتر بتوانند تلاش خود را وقف فعالیت هایی کنند که محور آنها پیشگیری از وقایع نامطلوب است، و نیز از این طریق بتوانند شاخص های توسعه اقتصادی اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهند.

• جامعه علمی و تحقیقاتی باید به ارتقای انگیزه های خودجوش برای اصلاح و تغییر در همکاری های مطالعاتی / تحقیقاتی، تحقیقات میدانی، کارآموزی و همکاری های متقابل - کمک کند.

• به کاربردن رویکرد مبتنی بر احترام، برای حضور این تشکل ها در فرایند توسعه بسیار اهمیت دارد.

• لازم است مجموعه پژوهش ها و نوشته های مربوط به CBO ها و NGO های ایران و منطقه غنی شود. حمایت از مطالعات محلی، که به منظور شناخت بهتر CBO ها و NGO های ایرانی، طرز کار کرد آنها، میزان قدرت، ضعف و نیازهای آنها طراحی شده باشد، ضروری است.

در عین حال، لازم به ذکر است که الگوهای مشارکت اجتماعی در ایران به تلاش های CBO ها و NGO های ایرانی محدود نمی شود. دولت نیز برنامه های موفقیت آمیزی مبتنی بر گرایش ایرانیان به موفقیت و اصلاح اساسی اجتماعی که قصد خدمت به آن را دارند اجرا کرده است. برنامه رابطن بهداشت و ستاد شهر سالم که هر دو از حمایت نمایندگی سازمان ملل در ایران بهره مند شده اند، عمده ترین این برنامه ها به شمار می آیند.

۲) الگوهای مشارکت اجتماعی در ایران (تصویری از نوآوری ها و سازمان ها)

هدف این مقاله، برجسته کردن تصویر الگوهای موفق مشارکت اجتماعی در ایران است. تا بدین وسیله سازمان ها و نهادهای بین المللی که بالقوه آماده همکاری اند، با تلاش هایی که در ایران در جهت تحرک اجتماعی صورت می گیرد، و نیز با فعالیت های NGO ها و CBO ها آشنا شوند. هدف جانبی این تحقیق مستندسازی برخی از این الگوهای موفق است تا در آینده به عنوان مرجعی برای NGO ها و CBO های ایرانی مورد استفاده قرار گیرند. مستندسازی راهبردهای

نوآورانه ای که NGO های ایرانی به کار می گیرند، می تواند سرمشق خوبی برای تلاش هایی باشد که در ایران و منطقه به منظور توسعه انجام می شود و می تواند فرصت های ایجاد شبکه را تسهیل کند، مشارکت میان NGO ها و CBO های ایرانی را قوت بخشد و چارچوبی برای همکاری و ظرفیت سازی به وجود آورد.

در این مقاله، هر چند به اختصار، پیشینه سازمان ها و تلاش هایی توصیف می شود که شامل ۴ مقوله زیر است:

۱. تلاش هایی که منشاء آنها دولت بوده است: ستاد شهر سالم و پروژه رابطن بهداشت

۲. تشکل های مردمی (CBO): سازمان خیریه فروغ حضرت خدیجه

۳. تشکل های غیردولتی نوین: انجمن تنظیم خانواده جمهوری اسلامی ایران، مربیان سیار و جمعیت آفتاب

۴. همکاری تخصصی سازمان های ایرانی یا ایرانیان متخصص مقیم خارج از کشور: بنیاد دانش و هنر

۱-۲) تلاش هایی که منشاء آنها دولت بوده است:

با وجود اینکه به سازمان ها و برنامه های دولتی حمله می شود که ساختار دیوان سالار غیر ضروری را حاکم می کنند، منابع مالی و انسانی را بدون تناسب با اهداف برنامه ها صرف می کنند و با نیازهای اجتماع هماهنگی ندارند، و نظایر اینها، اما باز هم برنامه ها و ابتکارات دولتی وجود دارد که بر این مشکلات کلیشه ای فائق آمده اند. دو برنامه که در ایران توانسته اند بر کاستی های سنتی موجود در تلاش های دولتی غلبه کنند، عبارتند از: ستاد شهر سالم در شهر ری و برنامه رابطن بهداشت، که هر دوی آنها به شدت مورد توجه جامعه بین المللی قرار گرفته اند. علت موفقیت این برنامه ها این است که بر انگیزه های اجتماعی و روحیه ایرانی در کار داوطلبانه استوار بوده اند.

بودجه این برنامه ها را دولت تعیین می کند و اداره آنها تا حد زیادی بر عهده سازمان های دولتی است. موفقیت این برنامه ها را می توان تا حدی مرهون بودجه های عظیمی دانست که دولت در اختیار سازمان های متولی آنها قرار داده است و تا حدی نیز به دلیل توفیق آنها در به تحرک واداشتن منابع اجتماعی از طریق همکاری با NGO ها، CBO ها و دیگر گروه های اجتماعی و همچنین بسیج کردن داوطلبان است. در واقع، تلاش این ابتکارات دولتی برای به تحرک واداشتن اعضای اجتماع، چنان مؤثر بوده است که در بعضی موارد برنامه از پیش تعیین

اگر چه تشکل های مردمی (CBO) توان بالایی دارند اما باید شیوه های کار آنها اصلاح و بهینه شود و روش های جدید را بیاموزند تا بهتر بتوانند تلاش خود را وقف فعالیت هایی کنند که محور آنها پیشگیری از وقایع نامطلوب است، و نیز از این طریق بتوانند شاخص های توسعه اقتصادی اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهند

شده، خود وسیله‌ای شده است تا افراد گروه به مسائل و چالش‌هایی فراتر از اهداف برنامه اصلی بپردازند. شورای فرهنگی زنان عظیم‌آباد و آبان و شورای فرهنگی زنان معراج، که شرح آنها به اختصار در دنباله می‌آید، نمونه‌هایی از این اقدامات‌اند.

یکم) ستاد شهر سالم

ستاد شهر سالم در سال ۱۳۷۱ با هدف تأمین سلامت مادی و معنوی شهروندان و جامعه، از طریق مشارکت اجتماعی و همکاری سازمان‌ها و با حمایت سازمان بهداشت جهانی و شهرداری تهران پایه‌گذاری شد. این طرح به دلیل توانایی در جلب و تضمین مشارکت اجتماعی و انجام اصلاحات عمیق و درخور توجه در زندگی اعضای تشکل، به شدت مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گرفت. این طرح در ابتدا در کوی ۱۳ آبان منطقه شهر ری اجرا شد و قرار بود که در مراحل بعدی به کل منطقه تعمیم یابد که در سال ۱۳۷۷ تمام منطقه شهر ری را تحت پوشش گرفت. علت انتخاب کوی ۱۳ آبان به عنوان نقطه شروع، این بود که ویژگی‌های منطقه با اجرای این طرح مناسبت داشت، که از این قبیل است بافت مناسب شهری و دسترسی به بزرگراه‌های اصلی‌ای که این منطقه را به تهران بزرگ متصل می‌کنند. البته کوی ۱۳ آبان در عین حال با مشکلات جدی‌ای از قبیل بالا بودن میزان (نرخ) بیکاری، فقر شدید و بالا بودن میزان جرم و جنایت روبرو بود. طراحان پروژه تحقیقات جامعی را برای شناسایی نیازها و اولویت‌های اجتماعی به عمل آوردند. نتایج این تحقیقات به طرز غیرمنتظره‌ای نشان داد که مهم‌ترین اولویت اعضای منطقه، تأسیس مراکز فرهنگی و اجتماعی‌ای است که ساکنان محل بتوانند از آن استفاده کنند.

در طول این پروژه با همکاری متقابل سازمان‌ها، چندین برنامه به اجرا درآمد و تأسیساتی متعدد نیز ساخته شد. (۳) این طرح در ارائه خدمات اجتماعی از جمله اقدامات بهداشتی و رفع نیازهای جسمی و روانی مردم منطقه از طریق همکاری با شهرداری و برنامه رابطین بهداشت، به گونه‌ای موفق عمل کرده است. همچنین این برنامه توانست میزان بزهکاری‌های اجتماعی را در منطقه ۱۳ آبان از بالاترین رتبه در تهران به رتبه سیزدهم کاهش دهد و سرانه فضای سبز را نیز از ۳ متر به ۱۲ متر افزایش دهد. مرکز علمی فرهنگی، خدمات و امکانات متنوعی ارائه می‌کند که از این قبیل است تئاتر، آزمایشگاه برای استفاده دانش‌آموزان، مرکز رایانه‌ای با هدف آموزش فنی و برنامه‌های بسیار دیگر با هدف افزایش مهارت نیروی کار. این طرح شامل چند کمیته بین‌سازمانی است که هر یک وظیفه مشخصی دارد. این کمیته‌ها عبارتند از کمیته آموزش، بهداشت، توسعه شهری، ورزشی و بهداشت روانی.

دوم) رابطین بهداشت

این گروه اجتماعی که با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مرتبط است، از زنان داوطلبی تشکیل شده که هر یک به ۵۰ خانوار محل خویش آموزش بهداشتی می‌دهند. این داوطلبان عمدتاً در مناطق محروم کشور کار می‌کنند. به تازگی ۴۲ هزار داوطلب این برنامه به جمعیتی در حدود ۱۰ میلیون نفر ساکن در شهرهای محروم خدمات‌رسانی کرده‌اند. این داوطلبان از میان جامعه زنانی انتخاب می‌شوند که سواد خواندن و نوشتن داشته باشند و بتوانند بخشی از وقت خود را صرف ارائه خدمات کرده و در ضمن نسبت به این نوع خدمات اجتماعی نیز احساس تعهد کنند. لازمه انتخاب این داوطلبان تأیید خانواده آنهاست؛ اینان اگر متاهل باشند باید اجازه شوهر، و اگر مجرد باشند باید اجازه والدین خود را کسب کنند. مرکز بهداشت محل به صورت هفتگی به این داوطلبان آموزش می‌دهد و بر کار آنها نظارت می‌کند. خدماتی که این داوطلبان به مخاطبان خود ارائه می‌کنند، به شرح زیر است:

- ارائه آموزش‌های بهداشتی با تأکید بر سلامت کودکان از جمله واکسیناسیون، بهداشت مادران، تنظیم خانواده، بهداشت محیط، بهداشت شخصی و به تازگی سلامت دوران نوجوانی.
- افزایش میزان استفاده از خدمات بهداشتی، از طریق تشویق به استفاده از خدمات بهداشتی دولتی و خصوصی.
- سروسامان دادن به وضعیت بیماران و تشویق مراجعه کنندگان برتداوم استفاده از خدمات بهداشتی و همچنین پیگیری امور بیماران. کار پیگیری شامل پیگیری واکسیناسیون، مراقبت پس از زایمان و برگزاری جلسات تنظیم خانواده است.
- تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات در باره وضعیت بهداشتی خانوارهای تحت پوشش.

مستندسازی راهبردهای نوآورانه‌ای که NGO های ایرانی به کار می‌گیرند، می‌تواند سرمشق خوبی برای تلاش‌هایی باشد که در ایران و منطقه به منظور توسعه انجام می‌شود و می‌تواند فرصت‌های ایجاد شبکه را تسهیل کند

- همکاری در امور تحقیقاتی عملی و آموزشی.
 - گسترش ارتباط با دیگر سازمان‌های دولتی که وظیفه‌شان ارائه خدمات اجتماعی است، که از جمله اینها می‌توان به ادارات محلی محیط‌زیست، آموزش و پرورش و دیگر سازمان‌های دولتی محلی اشاره کرد.
 - ایجاد و رشد تعاونی‌ها به منظور تلاش برای ارتقای فرصت‌های شغلی زنان و جوانان.
- صندوق حمایت از کودکان و صندوق جمعیت ملل متحد از این برنامه‌ها حمایت می‌کنند. این دو سازمان به ویژه در امر شناسایی و اجرای برنامه‌های آموزشی و ارائه الگوهای موفق همانندسازی برای فعالان در زمینه‌های بهداشتی به فعالیت می‌پردازند.

سوم) شورای فرهنگی زنان عظیم‌آباد و شورای فرهنگی زنان معراج

این دو انجمن در پاسخ به نیازهایی از اجتماع به وجود آمدند که فعالان در زمینه‌های بهداشتی مرتبط با ستاد شهر سالم در شهر ری (یکی از محروم‌ترین مناطق تهران) آنها را شناسایی کرده بودند. فعالان در زمینه‌های بهداشتی که با مراکز بهداشت کار می‌کردند، دریافتند که نیازهای خانوارهای تحت پوشش به مراتب بیش از آن چیزی است که در برنامه‌های ترویج بهداشت عنوان می‌شود. زنان این محله‌ها در پاسخ به این نیاز، و با انتخاباتی فراگیر و دموکراتیک، شوراهای فرهنگی زنان را تأسیس کردند. این شوراهای غیردولتی داوطلبانه خدمات متنوعی را ارائه می‌کنند. شوراهای مذکور با اینکه مستقل از دولت‌اند، با مراکز بهداشت و دیگر سازمان‌های دولتی محلی همکاری و ارتباط دارند. در عین حال اعضای شورا، از معتمدان مردمی هستند که نمایندگی آن را بر عهده دارند.

هر عضو شورا مسؤلیت چند خانوار را در محدوده جغرافیایی که در آن زندگی می‌کند بر عهده دارد (هر عضو نماینده خانوارهایی است که در یک خیابان زندگی می‌کنند). اعضای شورا به طور مرتب با این خانوارها ارتباط دارند. این انجمن‌ها در اجرای طرح‌های گسترده‌ای که هدف آنها رفع نیازهای اجتماع بوده موفق عمل کرده‌اند، از جمله کمک به اتمام طرح لوله‌کشی گاز که مدت‌ها مسکوت مانده بود، نصب چراغ‌ها و تیرهای برق خیابانی، توجه به نیازهای بهداشتی و آب آشامیدنی و مانند اینها. به علاوه، هر کدام از این انجمن‌ها توانسته‌اند به تأسیس کتابخانه‌های عمومی اقدام کنند. کتاب‌های این کتابخانه‌ها در اختیار خانوارهایی قرار می‌گیرد که دسترسی چندانی به امکانات

آموزشی ندارند. در سایه توجهات شوراهای فرهنگی زنان، صندوق‌های خیریه اجتماعی‌ای تأسیس شده‌اند که اعضای شورا می‌توانند در صورت نیاز به این صندوق‌ها مراجعه و وام دریافت کنند. طرح‌های دیگری که در حال اجرا هستند، عبارتند از ایجاد مدرسه برای کودکان پناهنده و دیگر کودکانی که دسترسی به نظام آموزشی ندارند در کنار توجه به مسایل والدین، کمک به مراجعه کنندگان به خدمات دولتی و شهری و پرداختن به درگیری‌های خشونت‌آمیز محلی و مداخله برای حل و فصل آنها.

این انجمن‌ها با چالش‌هایی جدی روبرویند. به تشخیص اعضای این انجمن‌ها، آموزش و پیشگیری، هماهنگی بیشتر با مقامات دولتی مسئول و توجه بیشتر به آموزش‌های فنی حرفه‌ای، آموزش عالی و ایجاد فرصت‌های شغلی برای جوانان از اجزای ضروری برنامه‌هایی هستند که برای حل این مشکلات باید طراحی و اجرا شوند.

۲-۲) تشکل‌های مردمی (CBO)

CBO ها و به ویژه سازمان‌های خیریه، سابقه‌ای پر بار و طولانی در ارائه خدمات اجتماعی و پرداخت مستمري و کارهای خیریه در ایران دارند. این تشکل‌ها در سراسر ایران مستقرند و اعضای آنها نیکوکارانی هستند که به کار خیریه اشتغال دارند. این سازمان‌ها معمولاً انواع مختلف خدمات خیریه‌ای و پرداخت مستمري به سطوح مختلف اجتماعی را انجام می‌دهند. انقلاب اسلامی زمینه مناسبی را برای رشد تشکل‌های مردمی (CBO) فراهم آورد. این تشکل‌ها در پرداخت مستمري در زمان جنگ و بازسازی پس از آن نقش بسیار مؤثری را بر عهده داشته‌اند. فلسفه وجودی آنها عمیقاً ریشه در سنت اسلامی بخشش و نیکوکاری و در سنت‌های مشابه ایرانی دارد. امروزه نهادهای دولتی بسیاری از این سازمان‌ها را به ثبت رسانده‌اند و البته بسیاری دیگر نیز همچنان به صورت غیررسمی به کار خود ادامه می‌دهند. برخی از بزرگ‌ترین سازمان‌های خیریه ایران که کمک مالی شایانی دریافت کرده‌اند و داوطلبان بسیاری به آنها کمک می‌کنند نیز در زمره این سازمان‌های غیردولتی به ثبت نرسیده قرار دارند. یکی از نمونه‌های بارز این نوع تشکل‌ها، مؤسسه خیریه فروغ حضرت خدیجه است. رئیس این

سازمان فروغ حضرت خدیجه، همانند بسیاری دیگر از این نوع تشکل‌ها، از هدایت و ارتباطات اجتماعی رهبری کاریزماتیک بهره‌مند است که می‌تواند منابع انسانی و مالی را به سوی مؤسسه سوق دهد

مؤسسه چندین دهه است به کار جمع‌آوری اعانه و خیریه می‌پردازد، در طول این مدت ۱۵۰۰ مدرسه در سرتاسر ایران تأسیس و راه‌اندازی کرده است.

سازمان فروغ حضرت خدیجه، همانند بسیاری دیگر از این نوع تشکلهای، از هدایت و ارتباطات اجتماعی رهبری کاریزماتیک بهره‌مند است که می‌تواند منابع انسانی و مالی را به سوی مؤسسه سوق دهد. این مؤسسه از آن حیث که حوزه کاری خود را به سمت فعالیت‌های پیشگیرانه گسترش داده است و مجموعه‌ای از خدمات کل‌نگر را به اعضای جامعه و خانواده‌ها ارائه می‌کند، دارای موقعیتی ویژه است. این مؤسسه ضمن اداره مجتمع آموزشی دخترانه‌ای (شامل مدرسه راهنمایی، دبیرستان و دوره پیش دانشگاهی) که در منطقه‌ای محروم در جنوب تهران ساخته است، خدمات گسترده‌ای را در اختیار اعضای جامعه و خانواده‌های دانش‌آموزان قرار می‌دهد. مؤسسه خیریه فروغ حضرت خدیجه به طور مستمر از ۳۵۰ خانسوار (شامل ۲۵۰۰ نفر) حمایت مالی می‌کند.

خانواده دانش‌آموزانی که در این مدارس تحصیل می‌کنند در اولویت قرار دارند و در عین حال مؤسسه از کمک به دیگر نیازمندان نیز دریغ نمی‌ورزد. این مجتمع آموزشی مرکزی است برای خانواده‌های دانش‌آموزان و دیگر خانواده‌های تحت حمایت که خدمات پیشگیرانه بهداشتی، مشاوره، آموزش والدین، اوقات فراغت، آموزش‌های فنی و خدمات اشتغال در آنها ارائه می‌شود. مؤسسه خیریه به تازگی یک مرکز فرهنگی - ورزشی نیز در نزدیکی مجتمع آموزشی احداث کرده است. در این مرکز که فقط مخصوص استفاده بانوان است، خدمات مختلفی از قبیل امکانات تفریحی و ورزشی، کلاس‌های آموزش فنی (مانند رایانه) ارائه می‌شود که هدف از آنها آموختن مهارت به زنان و دختران در سن کار و نیازمند شغل است.

انواع خدمات این خیریه و مؤسسات مشابه آن، به شرح زیر است:

- حمایت مالی از خانواده‌های نیازمند، به ویژه زنان خود سرپرست و خانواده‌هایی که سرپرست آنها زندانی است، و همچنین معلولان یا کسانی که شغل ندارند و از کارافتادگان. هم اکنون در حدود یک میلیون و ۳۰۰ هزار خانواده که سرپرست آنها زن است، به نوعی از این سازمان‌ها کمک دریافت می‌کنند.
 - اعطای وام‌های معمولی و بلاعوض به منظور تأمین سرپناه.
 - کمک به خانواده‌ها برای تأمین مخارج ازدواج فرزندانشان (برای تهیه جهیزیه)
 - ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به زنان خود سرپرست، به منظور اشتغال‌زایی و فراهم آوردن فرصت‌های خود اشتغالی برای این دسته افراد.
 - تأمین سرمایه لازم برای گسترش مدارس و مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای.
 - تأمین سرمایه لازم برای گسترش و به راه انداختن مراکز بهداشتی و بیمارستان‌ها.
- در زمان حاضر در ایران ۶۴ بیمارستان خیریه با ۹۲۰۰ تخت، به ارائه خدمات پزشکی می‌پردازند. این تعداد تخت در حدود ۹ درصد کل تخت‌های موجود در نظام مراقبت‌های بهداشتی ایران است. علاوه بر اینها، ۱۸۰ مرکز خیریه بهداشتی نیز در وزارت بهداشت و آموزش پزشکی به ثبت رسیده است. این مراکز خیریه، خدمات خود را به صورت مجانی یا با دریافت هزینه‌ای ناچیز در اختیار افراد قرار می‌دهند.
- اداره صندوق‌های قرض‌الحسنه سراسر کشور که معمولاً تحت پوشش CBO ها یا دیگر انواع گروه‌های اجتماعی، مساجد و سایر سازمان‌ها کار می‌کنند. این صندوق‌ها منابع مالی خود را به صورت وام بدون بهره در اختیار خانواده‌ها و افراد نیازمند قرار می‌دهند.
 - ارائه کمک‌های آموزشی در قالب بورس تحصیلی به دانشجویان نیازمند.
 - پرداخت کمک‌های مالی برای خدمات بهداشتی به نیازمندان.

تذکر این نکته لازم است که بسیاری از این سازمان‌های محلی به دلیل اعتقادات مذهبی و فرهنگی و نگرانی از شناخته شدن افراد گمنامی که از ایشان کمک دریافت می‌کنند، از انتشار اطلاعات مربوط به خویش اکراه می‌ورزند. به همین دلیل اگر چه نوع خدماتی که این تشکلهای در اختیار افراد قرار می‌دهند همان است که پیشتر بدان اشاره شد، اما احتمالاً حجم کمک‌های این سازمان‌ها بسیار گسترده‌تر از آن است که ذکر گردید. همچنین گفتنی است که این سازمان‌ها تمایل دارند که به صورت شفاف عمل کنند و اطلاعات مربوط به دارایی‌ها و

در زمان حاضر در ایران ۶۴
بیمارستان خیریه با ۹۲۰۰
تخت، به ارائه خدمات پزشکی
می‌پردازند. این تعداد تخت در
حدود ۹ درصد کل تخت‌های
موجود در نظام مراقبت‌های
بهداشتی ایران است

هزینه‌های خود را در اختیار افرادی که حامی‌شان هستند قرار دهند.

۳) تشکل‌های غیردولتی نوین (NGO)

این تشکل‌ها که عمدتاً در سال‌های اخیر و با هدایت پژوهشگران، دانشگاهیان و متخصصان تأسیس شده‌اند، در چهار زمینه متمایز فعالیت دارند:

۱) جمعیت و بهداشت؛

۲) حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار؛

۳) زنان و توسعه؛ و

۴) کودکان و نوجوانان

الف) انجمن تنظیم خانواده جمهوری اسلامی ایران (FPA)

این NGO که پنج سال پیش کار خود را با هدف دفاع از سیاست‌های بهداشت باروری آغاز کرد، به فدراسیون بین‌المللی برنامه‌ریزی خانواده (IPPF) وابسته است.

انجمن تنظیم خانواده جمهوری اسلامی ایران هم اکنون ۱۸۰۰ عضو فعال دارد که دست‌اندرکار تربیت، آموزش و

حمایت از برنامه‌های بهداشت باروری به ویژه در میان جوانان و نوجوانان هستند. اعضای انجمن، خدمات خود را در سطح محلی ارائه می‌دهند. علاوه بر این، انجمن برنامه‌های خود آموزشی‌ای (۴) را در مورد بهداشت باروری، آیدز و چگونگی خدمات تنظیم خانواده برای نوجوانان تهیه کرده است که نوجوانان و متخصصان می‌توانند به طور رایگان از آن بهره‌مند شوند.

هدف این NGO از اجرا و توسعه طرح‌های تحقیقاتی و آموزشی، افزایش کیفیت بهداشت باروری است و با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی همکاری می‌کند.

از آنجا که در ایران، همانند بقیه دنیا مسایل مربوط به جنسیت و زاد و ولد بسیار حساس است، انجمن برای ایفای نقش ترویجی خود داده‌های چندانی در اختیار ندارد و پروژه‌هایی الگویی را به مرحله اجرا می‌گذارد که هدف از آنها افزایش سطح آموزش در میان گروه‌های هدف است. به همین دلیل انجمن در دگرگون کردن سیاست‌های مربوط به بهداشت باروری موفق عمل کرده است. از نمونه‌های موفق این رویکرد، می‌توان به توانایی و علاقه اعضای انجمن به حل مسائل مربوط به بهداشت خانواده از طریق برنامه‌های خود آموزشی به نوجوانان و متخصصان اشاره کرد.

ب) جمعیت آفتاب

این تشکل غیردولتی که در سال ۱۳۷۶ تأسیس شد، با هدف آموزش و ارائه خدمات پیشگیری و مداوا، با اعتیاد مبارزه می‌کند.

فعالیت‌های این سازمان مشتمل است بر ارائه خدمات مشاوره و مداوای معتادان، حمایت از خانواده‌های افراد معتاد، مشاوره حقوقی با معتادان و خانواده‌های آنها و کارهایی برای کسانی که اعتیاد را ترک کرده‌اند. این تشکل در ۹ استان کشور شعبه دارد. جمعیت آفتاب فعالانه به افراد معتادی که ترک اعتیاد کرده‌اند آموزش می‌دهد تا بتوانند در فعالیت‌های آموزشی، پیشگیری و مشاوره مشارکت کنند.

ج) مرکز تحقیق آموزش پیش دبستانی با برنامه مربیان سیار

به تخمین، کمتر از ۵ درصد کودکان ایرانی به آموزش‌های پیش دبستانی دسترسی دارند. این در حالی است که این نوع آموزش، نقشی حیاتی در قوه شناخت ایشان دارد. برای حل این معضل، مربیان سیار با استفاده از شیوه‌های آموزش مبتکرانه و غیر سنتی، با کودکانی که اصولاً دسترسی و رابطه برقرار کردن با آنها دشوار است، ارتباط برقرار می‌کنند. منظور کودکانی است که در متن شهر زندگی می‌کنند و بخش اعظم اوقات خویش را در خیابان‌ها به سر می‌برند و عملاً به نظام آموزش رسمی پیش دبستانی دسترسی ندارند. این کودکان که، علاوه بر کودکان خیابانی، کودکان کارگران و خانواده‌های محروم را نیز شامل می‌شوند، معمولاً به علت فضای ناکافی منزل و زیاد بودن تعداد اعضای خانواده، اوقات خود را بیشتر در خیابان‌ها سپری می‌کنند. مربیان سیار که به صورت گروه‌های دو نفره داوطلب کار می‌کنند، در پارک‌ها و خیابان‌های جنوب شهر کلاس‌های آموزشی تعاملی برگزار می‌کنند. با اینکه این کلاسها در فضای آزاد برگزار می‌شود، اما هدف از آنها ارائه همان برنامه‌های آموزش پیش دبستانی است که در مراکز مربوطه برنامه‌ریزی شده است. کودکان برای دوره‌های آموزش ابتدایی آماده می‌شوند، بازی‌های دسته جمعی می‌کنند، به اجرای نمایش‌های عروسکی می‌پردازند، گروه‌ها برای آنها

قصه می‌خوانند و به آنها کارهای دستی آموزش می‌دهند. در این کلاس‌ها بر خدمات آموزشی‌ای که می‌تواند پاسخگوی نیازهای خاص گروه هدف باشد، تأکید می‌شود.

یکی از اجزای این برنامه آموزش مادران و دیگر اعضای خانواده است. در این کلاس‌ها مراحل رشد رفتاری، احساسی و شناختی کودکان را به والدین آموزش می‌دهند و والدین را تشویق می‌کنند تا با فرزندان‌شان با احترام رفتار کنند.

مربیان داوطلب در یک دوره ۱۸ ساعته، به صورت فشرده آموزش می‌بینند. این دوره شامل روان‌شناسی کودک، روش تدریس به کودکان پیش‌دستانی، آموزش حرفه و فن، ادبیات کودکان و از این قبیل است. مربیانی که به والدین تدریس می‌کنند، دوره آموزش یکساله می‌بینند.

۴) همکاری تخصصی سازمان‌های ایرانی با ایرانیان متخصص مقیم خارج از کشور

در سال‌های اخیر تلاش‌های بسیاری صورت گرفته است تا جامعه ایرانیان خارج از کشور نیز در تلاشی که برای توسعه ایران انجام می‌شود، سهمیم باشند. پس از انقلاب، خروج نخبگانی که دارای آموزش عالی، مهارت فنی و ثروت بسیار بودند، از کشور شدت گرفت و این خود تأثیری منفی بر جریان توسعه گذاشت. آقای خاتمی و آقای رفسنجانی در سال‌های اخیر اقداماتی صورت دادند تا این عزیمت کردگان به کشور بازگردند و از همکاری‌های فنی و سرمایه‌های اینان در جریان توسعه استفاده شود. این افراد هر روز بیش از پیش به امکان همکاری‌های کوتاه مدت و بلندمدت با ایران فکر می‌کنند. در واقع در کشورهایی مانند پاکستان و هند که تاریخ مشابه ایران دارند، جامعه مهاجران به روند توسعه در کشور مبدأ کمک‌های شایانی کرده‌اند. موارد بسیاری را می‌توان ذکر کرد که جامعه ایرانیان مقیم خارج از کشور و جمهوری اسلامی ایران در همکاری با یکدیگر با سهولت بیشتری توانسته‌اند ایرانیان متخصص مهاجر را برای تدریس و برگزاری دوره‌های فنی به ایران بازگردانند. یکی از نمونه‌های موفق همکاری، این است که متخصصان توانمند داخلی با همکاری اعضای بنیاد

دانش و هنر اقدام به گسترش ارتباطات اینترنتی و برنامه‌های آموزشی رایانه برای کودکان مناطق محروم تهران کرده‌اند و قصد دارند این تلاش‌ها را در سطح ملی گسترش دهند.

الف) بنیاد دانش و هنر (SAF)

این بنیاد صاحب این ایده بود که پیشرفت در زمینه آموزش، ارتباطات، تحقیقات و توسعه برای حل معضلات کشورهای جهان سوم باید مبتنی بر فن آوری اطلاعاتی باشد. تلاش اعضای این بنیاد، بر ساختن دنیایی استوار است که در آن جوانان کشورهای در حال توسعه به همان فرصت‌های آموزشی دسترسی داشته باشند که جوانان کشورهای توسعه یافته دارند.

این بنیاد به تأسیس یک مرکز فن آوری

اجتماعات خواهان توسعه در ایران

در شناسایی اولویتها، باید ارزیابی

توانایی‌ها و نیازها را نیز در نظر

داشته باشند و به همان اندازه که

بر نیازها تأکید می‌کنند از نقاط قوت

نیز مطلع شوند و آنها را مبنا قرار

دهند

اطلاعات (۵) در دانشگاه صنعتی شریف اقدام کرده است. این مرکز مدارس را به اینترنت وصل می‌کند، به معلمان در زمینه فن آوری اطلاعات و اینترنت آموزش می‌دهد و محتویات سایت‌های اینترنتی گوشه و کنار دنیا را برای استفاده دانش‌آموزان ایرانی به رایانه‌های مدارس منتقل می‌کند. این مرکز ضمناً طرح‌های اینترنتی همکاری بین مدارس را در زمینه‌های علوم، محیط‌زیست، فرهنگ و ادبیات و علوم انسانی به مرحله اجرا در آورد.

SAF در طی دو سال فعالیت خود ۳ مرکز فن آوری اطلاعات در دانشگاه‌های صنعتی شریف، کاشان و گیلان تأسیس کرده و ۴۷ دبیرستان و مرکز آموزشی را به سایت‌های رایانه‌ای با امکانات اینترنتی مجهز کرد. هزینه تجهیز هر دبیرستان بین ۷۰ تا ۱۱۰ میلیون ریال برآورد شده است. هر مرکز اطلاع‌رسانی دارای یک ریش اینترنتی ۲ مگابایتی است که هزینه سالانه آن در حدود ۲۰۰ میلیون ریال است. دبیرستان رشد که در منطقه محروم نازی آباد قرار دارد، نخستین محل اجرای پروژه بنیاد دانش و هنر بوده است.

آنچه در مورد تلاش‌های بنیاد دانش و هنر اهمیت دارد، موفقیت این بنیاد در برقراری و توسعه همکاری بین متخصصان دانشگاه صنعتی شریف و متخصصان ایرانی خارج از کشور است که برنامه‌های بنیاد را با مهارت حرفه‌ای درخور توجهی در ایران اداره می‌کنند. علاوه بر این، بنیاد توانسته است دانش‌آموزان، معلمان و مدیران مدارس را بسیج کند، به هر پروژه هویت محلی خاص خودش را ببخشد و پابندی اعضای جامعه را به مشارکت در اجرای موفق پروژه تضمین کند.

به منظور ثمربخشی همکاری ایرانیان با همتهای بین‌المللی‌شان در زمینه مسائل توسعه، پذیرفتن اصول زیر ضروری است:

• فرایند یادگیری و مبادله اطلاعات باید فرایندی دو طرفه تلقی شود. متخصصان ایرانی توسعه، NGOها و CBOها باید چیزهای بسیاری از همتهای بین‌المللی خود یاد بگیرند و در عین حال چیزهای بسیاری را نیز می‌توانند به آنها بیاموزند. به همین دلیل باید به تجربیات ایرانیان در این زمینه احترام گذاشت و از آنها در برنامه‌ریزی طرح‌های همکاری متقابل بهره برد.

• باید در برنامه‌ریزی و اجرای مراحل مختلف هر پروژه الگویی که منشاء آن مشارکت متخصصان ایرانی توسعه و همتهای خارجی آنها باشد، مردم به طور کامل حضور یابند.

NGOها و CBOها، تشکل‌های مردمی پایدار و پراهمیت و مستقلی‌اند که می‌توانند بیانگر دیدگاه‌های مردم باشند که می‌خواهند از این نوع مشارکت و پروژه‌های الگویی منتفع شوند. ایرانیان می‌توانند به کمک NGOها و CBOها و دیگر سازوکارها، شکل نهایی اولویت‌های توسعه را تعیین کنند.

• لازم است سازوکارهایی به وجود آید که تشکل‌های مردمی سنتی ایرانی بتوانند به عنوان همیاران اصلی ایجاد همکاری میان اجتماعات ایرانی خواهان توسعه و همتهای بین‌المللی آنها ایفای نقش کنند، چرا که این نوع سازمان‌ها رابطه نزدیکی با مردم دارند و مورد اطمینان آنها هستند. همچنین باید توجه خاصی به سازمان‌های محلی‌ای که به ثبت نرسیده‌اند می‌ذول داشت و فرصت‌هایی را برای همکاری با آنها به وجود آورد.

• اجتماعات خواهان توسعه در ایران در شناسایی اولویت‌ها، باید ارزیابی توانایی‌ها و نیازها را نیز در نظر داشته باشند و به همان اندازه که بر نیازها تأکید می‌کنند از نقاط قوت نیز مطلع شوند و آنها را مینا قرار دهند.

• باید تلاش شود تا فرایند همکاری ایرانیان و همتهای بین‌المللی آنها به بهترین نحو جریان یابد. NGOها و CBOها و متخصصان ایرانی مشارکت‌کننده با همتهای بین‌المللی باید نهایت سعی خود را به کار گیرند تا نظامی به وجود آید که مشارکت طرف ایرانی را بر مبنای قابلیت‌ها و شایستگی‌ها تأمین و تضمین کند.

• فرایند همکاری متخصصان ایرانی و همتهای بین‌المللی ایشان باید به گونه‌ای باشد که تداوم آن تضمین شود. این همکاری نباید صرفاً بر مشارکت یک فرد یا گروهی از افراد مبتنی شود بلکه باید نظام مدیریتی تعریف شده و سازمان یافته‌ای بر آن حاکم باشد.

• باید توجه ویژه‌ای به ایجاد فرصت‌هایی برای مشارکت نسل جوان ایرانیان متخصص، NGOها و CBOهایی که در استان‌های غیر از تهران فعالیت می‌کنند، می‌ذول گردد.

• جامعه ایرانیان مقیم خارج از کشور، نقش مهمی در تسهیل برخی از انواع همکاری بین ایرانیان و همتهای بین‌المللی خود مشارکت بر عهده دارند. این ایرانیان باید در همه سطوح همکاری کنند تا بتوانند میان اجتماع ایرانیان و همتهای بین‌المللی خود پلی به وجود آورند. در عین حال لازم است ایرانیان خارج از کشور بپذیرند که جامعه ایران در بیست سال گذشته دستخوش تحولات عمیقی شده است که مشارکت وسیع اجتماعی، بسیج اجتماعی، بسط نظر کارشناسی و بالندگی ساختارهای پایدار جامعه مدنی را ممکن ساخته است و درست به همین دلیل باید به همتهای ایرانی داخل کشور خود احترام بگذارد.

• حضور جامعه ایرانیان مقیم خارج از کشور در این نوع تلاش‌ها مستلزم آن است که توافق آنها جلب شود و اطمینان یابند که این طرح‌ها به شیوه‌ای کاملاً حرفه‌ای و با رعایت اصول اخلاقی خواهند شد. بنابراین باید مجریان طرح‌ها به شفافیت و پاسخگویی پایبند باشند.

• نهادهای سازمان ملل باید این نوع مشارکت را به طور کامل تضمین کنند و در تسهیل آن بکوشند. این نهادها باید نهایت سعی خود را به کار گیرند تا تلاش‌هایی که برای بسیج اجتماعی انجام می‌پذیرد، مستندسازی شود و همیاران محلی بتوانند همواره در کارهایی که سازمان ملل رهبری می‌کند - به ویژه در مورد CBOها - سهیم باشند.

فرایند همکاری متخصصان ایرانی و همتهای بین‌المللی ایشان باید به گونه‌ای باشد که تداوم آن تضمین شود. این همکاری نباید صرفاً بر مشارکت یک فرد یا گروهی از افراد مبتنی شود بلکه باید نظام مدیریتی تعریف شده و سازمان یافته‌ای بر آن حاکم باشد

این نوشته ترجمه مقاله‌ای است که در کنفرانس حفاظت محیط زیست، سیاست‌های جمعیتی و توسعه شهری (بهمن ۱۳۷۹ - تهران) ارائه گردید.
1) Safetynet
2) Advocacy Efforts
3) Population Council
۴- این برنامه‌ها عبارتند از امکانات تفریحی به مساحت ۶۹۷۷ متر، شامل یک کتابخانه، چندین پارک، یک مرکز تحقیقاتی گل و گیاه با ۳۲۶۹۶ متر فضای سبز آبداری، و تأسیس یک مرکز علمی فرهنگی.
5) Self-educational
6) School Information Center